

# تایستای خدعه و خون

حمیده طرقي اردکاني

اشاره:

بیراه نیست اگر گفته شود انقلاب اسلامی در سال ۵۷ آغاز شد و سال ۶۰ شکل گرفت. نگاهی کوتاه به رویدادهای سال ۶۰، نقش آن‌ها را در شکل‌گیری جمهوری اسلامی آشکار خواهد ساخت. حضرت امام خمینی ره سال ۶۰ را «سال رحمت، برادری و حکومت قانون» اعلام کرد؛ شاید به این دلیل که اختلافات درونی نیروها در این سال برادرانه حل شده و به سمت همگرایی سوق داده شود، اما روند حوادث و ظرفیت نیروها، سرنوشت دیگری برای کشور رقم زد؛ سالی پر از حادثه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز عال علموم انسانی

### در عرصه سیاست

از ابتدای سال ۶۰، اختلافات بین نیروهای خط امام و بنی صدر بسیار گسترده شد. وی که با شعار "وحدت ملی، بازسازی اقتصادی، امنیت و معنویت" در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری رأی غالب مردم را به خود اختصاص داد، پس از روی کار آمدن، چالش او با یاران حضرت امام ع هر روز شکل حادثری به خود گرفت. میتینگ‌ها، نطق‌های آتشین و فرافکنی‌های او، فضای کشور را به شدت متشنج می‌کرد.

بنی صدر در سخنرانی ۱۷ شهریور ۵۹، حزب جمهوری اسلامی را به انحصارطلبی متهم کرد و برای پیگیری خط تنش‌زایی در بین سطوح عالی مسئولان نظام در شرایط بحرانی جنگ تلاش



می‌کرد. در سخنرانی روز عاشورا و ۲۲ بهمن همان سال، چهره‌ای نابسامان و استبدادی از جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه داد. در ۲۲ بهمن ۵۹ در حالی که کمک به جبهه‌ها در گرو تقویت روحیه مردم و تحکیم اعتماد آنها به دولت و نخست‌وزیر بود، بنی صدر از کسری صد میلیارد تومانی بودجه، از بین رفتن آزادی‌های سیاسی و حاکمیت چماق و تعطیلی نشریات و روزنامه‌ها سخن می‌گفت و با تشویق به ایستادگی و اعتراض در برابر آنچه انحصارطلبی می‌نامید، از سلطه فضای اختناق و ترور توسط به اصطلاح انحصارطلبان مستقر در قوه قضائیه سخن می‌راند.

اوج رسوایی او برای نابودی نظام، حادثه ۱۴ اسفند ۵۹ (سخنرانی به مناسبت سالگرد درگذشت مصدق) در دانشگاه تهران در میدان آزادی بود. منافقین که در این فرمان بیش از پیش به ائتلاف سیاسی با بنی صدر زده بودند، با آمادگی کامل در این مراسم شرکت کردند. فضای فرهنگی نامناسب و شعارهای تند و تحریک‌کننده، زمینه را برای ایجاد محیطی ملتهب و خشن فراهم کرده بود. پس از طرح شعارهای تند از سوی طرفداران بنی صدر یا همان منافقین، خط تنش‌زایی در سطح مسئولان ارشد نظام تعقیب می‌شد و به

طور مکرر بنی صدر از طرفدارانش یعنی گارد فراقانونی ریاست جمهوری و منافقین که آنها را مردم خطاب می‌کرد، می‌خواست با مخالفان که در واقع مردم حزب‌اللهی بودند، برخورد نمایند.

با شدت گرفتن اختلافات مسئولان در نوروز ۶۰، هیئتی از سوی حضرت امام خمینی، مسئول رسیدگی به اختلافات پیش آمده شد و به روزنامه‌ها اخطار داده شد که از انتشار مواردی که باعث آشوب می‌شود، خودداری کنند؛ اما شروع کار این هیئت، هیچ تأثیری در جلوگیری از توسعه تحریکات و اغتشاشات نداشت.

حضرت امام ع در سخنرانی دهم اردیبهشت ۶۰، خطاب به گروه‌های سیاسی مسلح، ضمن اتمام حجت فرمودند: «صلاح شما و صلاح ملت شما و صلاح همه این است که اسلحه‌ها را زمین بگذارید و از این شیطنت‌ها دست بردارید و به آغوش ملت بازگردید.» به دنبال این سخنرانی، سازمان منافقین که خطاب امام خمینی ع را متوجه خود می‌دید، با ارسال نامه‌ای ضمن تشریح مظلومیت‌های سازمان خود، تقاضای دیدار با امام ع را مطرح کرد که توسط حضرت امام ع رد شد. امام نیز این دیدار را مشروط به بازگرداندن اموال غارت‌شده بیت‌المال و تحویل اسلحه‌ها دانستند و اظهار داشتند که سازمان در نامه‌اش «ناشی‌گری» کرده و نظام را تهدید به قیام مسلحانه کرده است. پس از این بود که سازمان با ارسال نامه‌ای به بنی صدر در اقدامی سیاسی، خواستار تضمین برای تحویل اسلحه‌ها شد که با مخالفت و خودداری از ضمانت بنی صدر مواجه شد. بنی صدر با این کار به نوعی به موضع‌گیری علنی در مقابل امام ع دست زد و هرچه بیشتر به منافقین نزدیک شد و از سوی دیگر باعث شد که هواداران خط امام در موضع‌گیری علیه بنی صدر قاطع‌تر شوند.

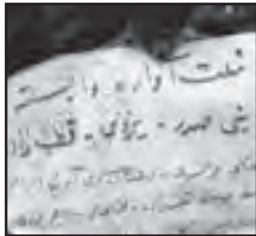
روابط میان بنی صدر با سازمان مجاهدین خلق، روز به روز گسترده‌تر و علنی‌تر شده و سازمان مذکور هم که موجودیت خود را در گروی حفظ بنی صدر بر مسند قدرت می‌دید، در ۱۸ خرداد ۶۰، حمایت کامل و یکپارچه خود را از وی اعلام کرد.

حضرت امام ع پس از حادثه ۱۴ اسفند، آیت‌الله موسوی اردبیلی - دادستان وقت کل کشور - را مأمور رسیدگی قضایی سریع و قاطع به این واقعه کرد. پس از آن گزارشی توسط هیات قضایی تهیه و تقدیم دادستان کل کشور شد که در آن به بیش از ۱۲ مورد ارتكابی که دارای عناوین مجرمانه بود، تصریح شده بود.

در نهایت بعد از سه ماه در روز ۲۰ خرداد ۶۰، پس از مشورت با مسئولان متعهد کشور (شهید بهشتی، سید احمد خمینی و آقای هاشمی) طی حکم کوتاهی، ابوالحسن بنی صدر را از فرماندهی کل قوا که به نیابت از ولی فقیه در اختیار داشت، عزل کرد.

در این زمان، سازمان مجاهدین خلق که به حامی همه‌جانبه بنی صدر تبدیل شده بود، طی اعلامیه‌هایی به توهین و تهمت به نهادهای انقلابی و مسئولان پرداخت، همچنین طی اطلاعیه‌ای ضمن حمایت از بنی صدر، خواستار حراست از جان رئیس جمهور توسط مردم شد.

در این بین روزنامه «مجاهد» تبدیل به تریبونی شد



**در حادثه ۱۴ اسفند ۵۹، به طور مکرر بنی‌صدر از طرفدارانش یعنی گارد فراقانونی ریاست جمهوری و منافقین که آنها را مردم خطاب می‌کرد، می‌خواست با مخالفان که در واقع مردم حزب الهی بودند، برخورد نمایند.**

**روز جمعه (۶۰/۳/۲۹) خطیب توانای نماز جمعه تهران حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به شکل مستوفی و جامع، دلایل سقوط و انحطاط بنی‌صدر را بیان نمود، در حالی که شعار «بت‌شکن بت‌شکن، بت جدید را بشکن» لحظه‌ای قطع نمی‌شد.**

**روز ۳۱ خرداد، مجلس بعد از بحث بین موافقان و مخالفان عزل بنی‌صدر، بالاخره رای به عدم کفایت بنی‌صدر داد.**

که حضرت امام خمینی ره و نیروهای خط امام را مورد هجمه قرار می‌داد. منافقین خلق، پی‌درپی اطلاعیه می‌دادند و با هر تمهیدی به دنبال آن بودند که چرخه سقوط بنی‌صدر را از حرکت بیندازند. از این رو سه اعلامیه پیاپی در روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد انتشار دادند. در بخشی از اطلاعیه دوم آمده است: «در آستانه پیاده شدن آخرین مرحله کودتا... سازمان... پیشنهاد می‌کند که... مردم قهرمان... بار دیگر فریاد پرخروش «الله اکبر» را در مخالفت با روش‌های انحصارطلبانه ضد مردمی و ضداسلامی و در حمایت از آزادی‌های اساسی و رئیس‌جمهور دکتر بنی‌صدر، در پشت بام خانه‌ها طنین انداز سازند!»

روز جمعه (۶۰/۳/۲۹) خطیب توانای نماز جمعه تهران حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به شکل مستوفی و جامع، دلایل سقوط و انحطاط بنی‌صدر را بیان نمود، در حالی که شعار «بت‌شکن بت‌شکن، بت جدید را بشکن» لحظه‌ای قطع نمی‌شد.

سازمان مجاهدین خلق با حمایت از بنی‌صدر، طی اعلامیه‌ای تهدیدآمیز، نمایندگان را از شرکت در جلسه بررسی عدم صلاحیت رئیس‌جمهور برحذر داشت. همچنین اعلام کرد که فعالیت‌های این سازمان وارد فاز نظامی شده است. از ۳۰ خرداد ماه موج ترورهای سازمان به قدری گسترده شد که از مردم عادی در کوچه و خیابان تا مسئولان مملکتی را در بر گرفت. عصر روز شنبه سی‌ام خرداد، در حالی که مجلس در حال بررسی عدم صلاحیت بنی‌صدر بود، در تهران و چند شهر بزرگ دیگر، هواداران و وابستگان سازمان حرکتی را انجام دادند - یا شروع کردند - که سرانجامی جز تباهی برای آنها نداشت. هواداران سازمان یافته منافقین و دیگر گروه‌ها که در ذیل حمایت از بنی‌صدر جمع آمده بودند - و به قول خود وارد فاز نظامی شدند - با سلاح سرد و گرم به اغتشاشگری در خیابان‌های مرکزی تهران پرداختند و تعدادی از مردم بی‌گناه را کشته و ده‌ها تن را زخمی کردند و به اموال عمومی آسیب رساندند و «شنبه خونین» را در تاریخ ایران ثبت کردند. سازمان بعدها ۳۰ خرداد را به عنوان نقطه عطفی مطرح کرد و مدعی شد که ۵۰۰ هزار نفر در تظاهرات ۳۰ خرداد شرکت کردند؛ حال آنکه تعداد افراد سازماندهی شده سازمان و گروه‌هایی که به آنها پیوستند و در حمایت از بنی‌صدر و سازمان به تظاهرات خشونت‌بار و مسلحانه دست زدند، بیش از چند هزار نفر نبود.

حضور گروه‌های مختلف مردم و پاسداران در خیابان‌های اصلی و مرکزی شهر، کم‌کم وضع را دگرگون کرد و دستگیری مهاجمان آغاز شد و فضای شهر تحت کنترل نیروهای انتظامی آرام گرفت.

روز ۳۱ خرداد، مجلس بعد از بحث بین موافقان و مخالفان عزل بنی‌صدر، بالاخره رای به عدم کفایت بنی‌صدر داد. این طرح با ۱۷۷ رای موافق، یک رای مخالف



وی با شهید چمران و امام موسی صدر رابطه داشت و از سال ۱۳۵۸ عهده‌دار استانداری گیلان شد. او در برخورد با گروه‌های سیاسی مخالف نظام و منحرف، سختگیرانه و به صورت فعال برخورد می‌کرد.

در ۱۹ تیر ماه ملاعلی جلالی زاده به همراه پسرش که از روحانیان اهل تسنن در منطقه سنندج بود، ترور شد. وی از فعالان منطقه در اتحاد شیعه و سنی و زمینه‌ساز رشد انقلاب بود.

دوم مرداد ۱۳۶۰، محمدعلی رجایی در جریان دومین انتخابات ریاست جمهوری، با به دست آوردن بیش از ۱۳ میلیون رأی مردم، دومین رئیس‌جمهوری ایران شد. این دور از انتخابات در شرایطی برگزار شد که یک سال از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گذشت و بخش‌هایی از غرب و جنوب، تحت اشغال متجاوزین عراقی بود. از یکسو حذف بنی‌صدر به جبهه‌های راکد شده جنگ، تحرک تازه‌ای بخشیده بود و روحیه و قدرت مقاومت نیروهای ایران در برابر دشمن افزایش یافته بود و از سوی دیگر نیروهای معتقد به خط امام در عرصه داخلی جان دوباره یافته بودند. او در ۱۸ شهریور ۱۳۵۹ به نخست‌وزیری و پس از عزل بنی‌صدر به ریاست جمهوری رسید.

سوم مرداد حجت‌الاسلام سیدحسین بهشتی نژاد، نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی، به دست منافقین در خانه‌اش به شهادت رسید.

بنی‌صدر پس از عزل به فرمان امام خمینی به زندگی مخفی روی آورده بود و سعی می‌کرد که با نوار و نامه مردم را به شورش و آشوب دعوت کند و هنوز کورسویی از امید برای حمایت مردمی داشت، اما پس از این‌که مردم با رأی ۱۳ میلیونی به شهید رجایی، مشت محکمی به دهانش کوبیدند، هفتم مرداد با حالت سرخوردگی و ذلت به همراه مسعود رجوی با لباس و چهره زنانه از کشور خارج شد. او با هوایماریابی ابتدا به قبرس و سپس به فرانسه گریخت و در آن‌جا با همکاری رجوی، تشکیلاتی به نام "شورای انقلاب" برای براندازی انقلاب ایجاد کرد. مقامات فرانسه به تقاضای ایران برای پس دادن بنی‌صدر ترتیب اثر ندادند. نهم مرداد، حجت‌الاسلام کامیاب نماینده مردم مشهد در سن ۳۱ سالگی به دست منافقین به شهادت رسید.

۱۱ مرداد مراسم تحلیف و تنفیذ حکم رجایی در حضور امام خمینی برگزار شد. مردم ایران هیچ‌گاه آدب شهید رجایی را به هنگام دریافت حکم ریاست جمهوری در مقابل حضرت امام خمینی فراموش نمی‌کنند.

۱۴ مرداد بنا به پیشنهاد شهید رجایی، دکتر محمدجواد باهنر به عنوان نخست‌وزیر به مجلس شورای اسلامی معرفی گردید. همان روز وی با کسب ۱۳۰ رأی از مجموع ۱۶۸ رأی مأخوذه، از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفت.

۱۷ مرداد ماه حکم نخست‌وزیری دکتر باهنر از مجلس صادر شد و او کار خود را آغاز کرد. هماهنگی و هم‌فکری رئیس‌جمهوری و هیئت دولت و اکثریت مجلس شورای اسلامی؛ امید به برقراری

و ۱۲ رأی ممتنع به تصویب رسید. دلیل این مصوبه، موضع‌گیری وی علیه نظام جمهوری اسلامی و اتحاد نامقدس با کلیه نیروهای ضد انقلاب وابسته به شرق و غرب جهت نابودی نظام اسلامی، همچنین مخالفت مستمر وی با مجلس شورای اسلامی از بدو تأسیس و حتی پیش از افتتاح آن دخالت صریح در قوه قضاییه و عدم درک صحیح از بدیهی‌ترین اصول قانون اساسی و عدم اعتقاد به اصل تفکیک قوا عنوان گردید.

در این روز رئیس‌جمهور و نیز نمایندگان طرفدار نهضت آزادی و جبهه ملی که امام خمینی طی سخنانی در ۲۵ خرداد حکم ارتداد آنها را به دلیل هم‌پیمان شدن با گروهک منافقین صادر کردند در جلسه مجلس شورای اسلامی حضور نیافتند. البته هنوز حلاوت



تصویب این قانون در کام ملت ننشسته بود که خبر شهادت شهید چمران در دهلاویه، غم را در دل‌های ملت ایران نشاناند. روز اول تیرماه، حضرت امام خمینی ره حکم عزل بنی‌صدر را از مقام ریاست جمهوری صادر کرد. از اول تابستان ترورهای پی در پی سازمان جهت براندازی جمهوری اسلامی کلید خورد. اولین اقدام بعد از ۳۰ خرداد، از ششم تیر ماه آغاز شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در مسجد ابوذر - در یکی از مناطق جنوب تهران - مورد ترور ضدانقلاب واقع شد که دست تقدیر الهی او را حفظ کرد و ضدانقلاب ناکام ماند. در هفتم تیر سال ۶۰ دفتر مرکزی حزب جمهوری به دست منافقین ضدانقلاب منفجر شد و ۷۲ تن از یاران امام که در رأسشان شهیدمظلوم آیت‌الله بهشتی بود، به شهادت رسیدند.

هشتم تیر شهید کجویی به دست منافقین ترور شد. وی در اوج گیری انقلاب از زندان ساواک آزاد شده و پس از پیروزی انقلاب، اداره زندان اوین را در دست داشت و از خدمتگزاران صدیق انقلاب بود.

۱۵ تیر شهید علی انصاری - کسی که رساله دکتری خود را به خاطر دفاع از میهن ناتمام گذاشته به وطن بازگشت - ترور شد.

حجت الاسلام شهید هاشمی نژاد



آیت الله محمدرضا مهدوی کنی



**بنی صدر پس از عزل به فرمان امام خمینی به زندگی مخفی روی آورده بود و سعی می کرد که با نوار و نامه مردم را به شورش و آشوب دعوت کند و هنوز کورسویی از امید برای حمایت مردمی داشت، اما مردم با رای ۱۳ میلیونی به شهید رجایی، مشت محکمی به دهانش کوبیدند.**

**بعد از ترورهای روزانه و کور گروهک منافقین و همچنین ترور سران مملکت و نخبگان، برخلاف پیش بینی دشمنان، چرخ حکومت ایران از کار نایستاد و با حرکت های سریع و قاطع امام و همراهی پرشور مردم؛ شهید رجایی و دکتر باهنر با هماهنگی و تدبیر مسائل را مرتفع و کشور را به سمت آرامش هدایت کردند.**

آرامش و حلّ و فصل مشکلات در دلها را زنده کرد. ۲۶ مرداد ۶۰ روز شهادت ملاصالح خسروی است. وی از روحانیون اهل سنت بود که از سالیان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی و دفاع از اسلام و وحدت مسلمانان به پا خاسته بود. وی بعد از انقلاب از روحانیون منادی وحدت و دفاع از انقلاب و امام بود و لحظه ای از افشاگری علیه عناصر ضد انقلاب و گروه های فریب خورده از پای ننشست تا این که به وسیله منافقین به همراه پسرش در مسجد جامع سنندج به شهادت رسید. بعد از ترورهای روزانه و کور گروهک منافقین و همچنین ترور سران مملکت و نخبگان، برخلاف پیش بینی دشمنان، چرخ حکومت ایران از کار نایستاد و با حرکت های سریع و قاطع امام و همراهی پرشور مردم؛ شهید رجایی و دکتر باهنر با هماهنگی و تدبیر مسائل را مرتفع و کشور را به سمت آرامش هدایت می کردند، اما این گروه منافقین باز آرام ننشستند و با فاجعه ۸ شهریور و انفجار دفتر نخست وزیر، رئیس جمهور رجایی و نخست وزیر متفکرش دکتر باهنر را به درجه رفیع شهادت نائل و کشور را بار دیگر با بحران روبه رو کردند.

به دنبال این حادثه تاسف برانگیز، شورای ریاست جمهوری وظیفه اداره کشور را به عهده گرفت، اما بنا به تاکید امام که عقیده داشتند جای نیروهای از دست رفته سریع پر شود تا دشمن به هدف خود نرسد، شورا بعد از حادثه با جلسات و بحث های پیگیر، بالاخره آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، وزیر کشور دولت شهید رجایی را به عنوان نخست وزیر کشور به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داد و ایشان با ۱۴۸ رأی از ۱۷۹ رأی، در روز ۱۱ شهریور به نخست وزیری رسید و تا مهرماه و انتخاب آیت الله خامنه ای به ریاست جمهوری، نخست وزیر کشور بود.

۱۴ شهریور باز تروری دیگر رخ داد و آیت الله شیخ علی قدوسی که از نخبگان علمی و سیاسی کشور و از فعالان سیاسی بود، توسط منافقین به شهادت رسید. این مجاهد نستوه پس از پیروزی انقلاب اسلامی از طرف امام خمینی به دادستانی کل انقلاب اسلامی منصوب شد و در این سنگر به خدمت پرداخت.

۲۰ شهریور دومین شهید محراب حضرت آیت الله مدنی توسط منافقین به شهادت رسید.

هفتم مهر، حجت الاسلام هاشمی نژاد هنگام تدریس در کلاس درس توسط منافقین به شهادت رسید. سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز در شرایطی برگزار شد که کشور در اوج بحران سیاسی قرار داشت. تداوم جنگ تحمیلی و نیاز نیروهای جبهه به حمایت های لجستیکی، انسانی و همچنین تشدید ترورهای کور منافقین علیه مردم عادی کوچه و بازار؛ دو بحران عمده کشور بود.

آیت الله خامنه ای در این انتخابات که دهم مهر ۱۳۶۰ برگزار شد، در شرایطی به پیروزی رسید که سه ماه پیش از آن خود در مسجد ابوذر تهران مورد سوء قصد عوامل سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته و از ناحیه دست و سینه به شدت مجروح شده بود. ۱۷

آنها مطمئن بودند که مردم به آنها خواهند پیوست.

در آن روز حماسی، مردم آمل ظرف مدت ۱۰ ساعت، چشم فتنه را از کاسه درآوردند و با سرکوب کردن منافقین، خاطره به یادماندنی از خود به یادگار گذاشتند.

**در عرصه نظامی**

در عرصه جنگ نیز، بنی صدر در مقام فرماندهی کل قوا، معتقد به جنگیدن به شیوه اشکانیان بود؛ یعنی نیروی دشمن به درون مرز کشیده شده، سپس محاصره و نابود گردد. این سیاست نظامی، باعث اشغال نقاط وسیعی از اراضی ایران اسلامی توسط ارتش متجاوز بعث شد و بر اثر عدم ارسال مهمات و نیرو به خط مقدم، نیروهای اسلام علی رغم جانفشانی‌ها و حماسه‌آفرینی‌های مثال‌زدنی، مجبور به عقب‌نشینی شدند. در نحوه اداره کشور نیز کوشش‌های امام که دو طرف (بنی‌صدر و شهید رجایی) را به رفع اختلاف و وحدت و تفاهم دعوت می‌کرد، بی‌ثمر ماند.

**گزارشی از رویدادهای مهم جنگ در سال ۱۳۶۰/۱/۱۵:**

آغاز عملیات حضرت مهدی (عج)، در محور کرخه - دزفول، با تلاش رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که انهدام ۱۵ تانک و نفربر عراقی را به دنبال داشت. ۱۳۶۰/۱/۲۵:

آغاز عملیات مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، در محور شوش که انهدام ۳۱ تانک و نفربر و یک بالگرد و کشته شدن ۲۰۰ عراقی را در پی داشت. ۱۳۶۰/۲/۱۷:

عراق با کمک حزب دمکرات کردستان، زندان دوله‌تو را بمباران کرد. ۱۳۶۰/۲/۳۱:

آغاز عملیات مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای نامنظم چمران در محورهای:

۱. سوسنگرد، با رمز «امام علی (ع)»
۲. در شمال سوسنگرد، با رمز «حضرت مهدی (عج) ادرکنی»
۳. در محور شوش که به انهدام ۷۰ تانک و نفربر و هلاکت ۷۰۰ بعثی و اسارت حدود ۸۰۰ عراقی انجامید. ۱۳۶۰/۳/۱۵:

تشکیل دوازدهمین اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس

مهر ماه حکم ریاست جمهوری ایشان به دست امام خمینی تنفیذ و کار سخت اداره کشوری پراز مسئله، فقر باقیمانده از حکومت پهلوی‌ها، جنگ، ترورهای هر روز و... آغاز شد. ۲۳ مهر سال ۶۰، حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعه و نماینده امام در کرمانشاه توسط منافقین به شهادت رسید و عنوان «پنجمین شهید محراب» را از آن خود کرد. ششم آبان، امام خمینی نسبت به طرح فهد درباره صلح فلسطین و اسراییل واکنش نشان داد. توجه و واکنش از موضع قدرت امام خمینی به مسائل روز دنیا به ویژه دنیای اسلام در اوج بحران‌های داخلی، برای مردم و مسئولان درسی بزرگ بود. ۲۰ آذر سال ۶۰، حضرت آیت‌الله دستغیب امام جمعه و نماینده امام



در شیراز توسط منافقین به شهادت رسید (سومین شهید محراب). با اجرای طرح "مالک و مستأجر" بعد از برکناری بنی‌صدر از سوی کمیته‌ی انقلاب اسلامی که در پی آن مالکان موظف شدند هویت مستأجرین خود را اعلام کنند، امکان موفقیت سازمان در خانه‌های تیمی در شهر تهران خنثی شد. به دلایل متعددی، شهر "آمل" را برای طرح قیام فوری خود انتخاب کرد و با استقرار ۱۸۰ نفر از اعضا و کادر هواداران در جنگل‌های آمل، در صدد بر آمد تا با یک حمله‌ی ناگهانی، شهر آمل را تسخیر و مردم را به قیام دعوت کند، آن‌گاه دیگر شهرهای استان یکی پس از دیگری آزاد شوند و این حرکت به یک قیام سراسری تبدیل شود. اولین حرکت آنها در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ با هوشیاری نیروهای سپاه خنثی شد. پس از چند درگیری جزئی تر، سرانجام گروه ۱۰۰ نفره با نام سربداران، در میان سرمای زمستان بهمن ۱۳۶۰، خود را به آمل رساند و با یک شلیک، واقعه‌ی تاریخی آمل را کلید زد. تیراندازی و سپس تسخیر شهر تا صبح ادامه داشت، اما با آغاز صبح ششم بهمن، حماسه‌ی مردم آمل شکل گرفت. برنامه‌ی اصلی این بود که حتی الامکان نیروهای سپاه و بسیج را از کار بیندازند و بعد از آن، مردم را به قیام دعوت کنند؛ زیرا طبق تحلیل‌های تشکیلات،



اسلامی در بغداد، بدون حضور دولت جمهوری اسلامی ایران.  
۱۳۳۰/۳/۲۱

آغاز عملیات «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا»، در شرق رود کارون (جنوب دارخوین)، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران که به انهدام ۳۳ تانک و نفربر و کشته و زخمی شدن هزار و ۲۵۰ عراقی انجامید.  
۱۳۳۰/۳/۲۶

آزادسازی دهلاویه در جنوب بستان، از اشغال ارتش بعثی عراق.  
۱۳۳۰/۴/۱۷

آزادسازی شهر نوسود و نظارت رزمندگان اسلام بر مرزهای این منطقه  
۱۳۳۰/۶/۱۰

آزادسازی منطقه کرخه نور به دست رزمندگان اسلام، در عملیات شهید رجایی و باهنر.  
۱۳۳۰/۷/۵

آغاز عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) با رمز «نصر من الله و فتح قریب»، نخستین عملیات بزرگ ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در جبهه جنوب (محور شمال آبادان و شرق رود کارون) که به آزادسازی ۱۵۰ کیلومتر مربع (از جمله دو جاده استراتژیک اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان) و شکست محاصره آبادان و انهدام و غنیمت گرفتن صدها تانک و نفربر و خودرو جنگی ارتش عراق انجامید.  
۱۳۳۰/۸/۲

حمله هوایی سه فروند میگ عراقی به خانه‌های مسکونی آبادان که به تخریب کامل ۱۱۰ خانه انجامید.  
۱۳۳۰/۸/۲۴

درخواست صدام حسین از هیئت کنفرانس اسلامی، مبنی بر به رسمیت شناختن حقوق و حاکمیت عراق بر سرزمین‌ها و آب‌های ملی، از جمله شط العرب (اروند رود).  
۱۳۳۰/۹/۸

آغاز عملیات بزرگ و مهم طریق القدس با رمز «یا حسین (علیه السلام)» در غرب سوسنگرد و بستان، با تلاش مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به این نتایج انجامید:

۱- آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستا و ۵ پاسگاه مرزی.

۲- تأمین امنیت تنگه چزابه.

۳- دسترسی یافتن به هورالهویزه.

۴- انهدام ۳۸۰ و غنیمت گرفتن ۵۷۰ تانک و خودرو نظامی.

۵- سقوط ۱۳ هواپیما و ۴ بالگرد عراقی.

۶- کشته و زخمی شدن هزاران بعثی.  
۱۳۳۰/۹/۲۰

آغاز عملیات مطلع الفجر با رمز «یا مهدی (علیه السلام) ادرکنی» در جبهه شمالی، منطقه غرب و شمال گیلانغرب و سرپل ذهاب، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی

ایران که به کشته و زخمی شدن دو هزار عراقی توسط دو هواپیما و یک بالگرد، انهدام ۲۰۰ خودرو نظامی، آزادسازی ارتفاعات استراتژیک و روستاهای مهم منطقه انجامید.  
۱۳۳۰/۱۰/۲۱

حمله عراق به دو کشتی خارجی در خلیج فارس برای ناامن اعلام کردن خلیج فارس.  
۱۳۳۰/۱۲/۱

آغاز عملیات مولای متقیان (علیه السلام) - معروف به جنگ چزابه - با رمز «یا علی (علیه السلام) ادرکنی» در منطقه چزابه، با تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به کشته و زخمی شدن چهار هزار و ۵۰۰ عراقی انجامید.

### سازمان مجاهدین خلق

نام گروهک تروریستی منافقین در ایران یادآور جنایت‌ها و اقدامات تروریستی فراوانی است. اعضای این گروهک تروریستی از دهه ۱۹۸۰ در اردوگاهی به نام «اشرف» در شرق استان دیاله عراق که هم مرز ایران است، مستقر هستند.

از ابتدا ایدئولوژی تشکیل این گروه، براندازی نظام جمهوری

غربی متأثر بودند، از اسلام حرف می‌زدند، اما روشنگری علما و مسئولان و رساندن آنها به مردم، مانع از این شد که مردم به اسم دین دنبال آنها را بگیرند.

### هدف از ترور

انقلاب امر تصادفی نبوده، بلکه حاصل افکار و اندیشه‌های تحول‌ساز رهبران و نخبگان سیاسی - مذهبی جامعه بوده و یقیناً طراحی و برنامه‌ریزی برای انقلاب، نیازمند افکار سیال و جامع‌نگر است که این ویژگی‌های خاص، به ندرت در اشخاص جمع می‌شوند. در واقع همان‌طور که فرد انسانی به عقل و تدبیرش ساخته می‌شود، جامعه انسانی نیز به جوهره تعقل و تدبیر متکامل می‌شود.

هدف ترورها، براندازی نظام از طریق فروپاشیدن ستون‌های انقلاب بود که این اشخاص به زعم دشمنان، عناصر اصلی نظام و ستون‌های آن محسوب می‌شدند که در واقع همین‌طور بود و شاید دشمن، حسب تحقیقات و اقتضای کار خود، زودتر و بهتر از ما این شخصیت‌ها را کشف کرده بود! آمریکایی‌ها به مدت دو دهه سازمان تروریستی منافقین را زیر چتر حمایت مالی، سیاسی و تبلیغی خود درآوردند و همه‌گونه امکانات را نیز در اختیارشان قرار دادند و از جنایات تروریستی آنان علیه مردم عامی کوجه و بازار و یا ترور مسئولان نظام جمهوری اسلامی حمایت نیز کردند. این گروهک با شیوه قهرآمیز و قتل سیاسی - ترور - درصدد حذف فیزیکی عناصر کارآمد و طراحان فکری نظام برآمد تا با خلاهای جدی در ارکان حساس کشور، موجبات سقوط جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد، اما رهبری امام و هوشیاری مردم آنها را ناکام گذاشت.

ان‌شاءالله تا سپردن امانت انقلاب به دست صاحب اصلی آن؛ مردم و مسئولان با پیروی از ولی فقیه، دست تمام فتنه‌گرها را از سر این انقلاب کوتاه کنند.

اسلامی بود. آمریکا و هم‌پیمانانش وقتی که با انقلاب از این مرز و بوم رانده شدند، با حمایت همه‌جانبه به پیش‌برد اهداف این گروه کمک کردند.

بررسی عملکرد این گروه به ویژه در سال ۶۰ نشان می‌دهد که:  
 ۱. در تعداد هواداران خود دچار توهم و شیزوفرنی شدند. در واقع تصور می‌کردند که با وجود نابسامانی‌ها در کشور (باتوجه به انقلاب و جنگ) و پایگاه مردمی بنی‌صدر (با توجه به رأی او در انتخابات) با یک‌نامه و فراخوان حامیان در ۳۰ خرداد، کار نظام یکسره می‌شود، غافل از این‌که بنی‌صدر دیگر برای مردم منافق است و...  
 ۲. روش این گروه سوار شدن بر غبار فتنه و سوءاستفاده از فضای



شبهه بود. با هجمه تبلیغاتی که طی چندماه ایجاد کردند، توانستند برخی افکار عمومی را به سوی خود جلب کنند و جایگاه برخی افراد و نهادها - مانند شهید بهشتی - را در ذهن توده‌ها تخریب کنند، غافل از این‌که روشنگرانی برای بیان واقعیت به مردم وجود دارند.

۳. آنها جایگاه رهبری را در دل‌های مردم به خوبی درک نکرده بودند و اطاعت و حمایت بی‌چون و چرای مردم از ولی فقیه خود را نادیده گرفتند. به رغم جنایت در گوشه و کنار کشور، خواستار دیدار با امام بودند که ایشان فرمودند شما اسلحه خود را کنار بگذارید، من خود به دیدار شما می‌آیم.

۴. ایجاد محیط رعب و وحشت با ترورهای کور به امید نارضایتی مردمی که با مشکلات فراوان رو به‌رو هستند تا در راهپیمایی‌هایی که از طرف خود سازمان هر روز برگزار می‌شد، شرکت کنند. آنها به حضور و شور مردم برای رسیدن به هدف احتیاج داشتند، اما مردم با بصیرت آنها را ناکام می‌گذاشتند. و ثابت کردند که اگر به بهای خون انقلاب کردند، باز هم برای استقلال کشورشان جان می‌دهند.

۵. با این‌که در مبنای اندیشه به شدت رنج می‌بردند و از ایسم‌های

### منبع

- تمام تاریخ رویدادها:

۱. روزشمار شمسی، تحقیق و پژوهش علی حابری و همکاران، نشر مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، چاپ اول ۱۳۸۱.
۲. روزها و رویدادها، تهیه و تنظیم: مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت، نشر پیام مهدی، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۷۹.
۳. عبور از بحران: کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰ هاشمی رفسنجانی. هاشمی یاسر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
۴. نشریه مجاهد، ش ۱۲۷، ص ۸.
۵. روزنامه‌کیهان، ۶۰/۳/۳۰.
۶. تروریسم ضد مردمی: بحثی پیرامون ماهیت و اهداف حرکت مسلحانه، پدیدآورنده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر سیاسی، ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر سیاسی، چاپ اول، ۱۳۶۱.